

دکتر الین فیلیپس، میکاه، پیامبر خارج از کمربندی، جلسه ۳، میکاه ۲

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر الین و پری فیلیپس هستند که در حال تدریس در مورد کتاب میکاه، پیامبری خارج از کمربندی هستند. این جلسه ۳، میکاه ۲ است.

خب، ما در آستانه ورود به فصل دوم کتاب میکاه هستیم و مطالعه خود را در مورد این پیامبر که از نظر زادگاهش خارج از منطقه کمربندی بود، ادامه می‌دهیم، به احتمال زیاد در اورشلیم موعظه می‌کرد، به همین دلیل است که او به عنوان میکاه مرشتی یا مرشتی شناخته می‌شود.

فصل دوم، اگر بخواهیم در مسائل ساختاری خود به گذشته نگاه کنیم، عمدتاً به قضاوت در مورد مصیبت‌ها، جنایات و عواقب می‌پردازد. ابتدا کمی مرور خواهیم کرد، بنابراین بیایید در این مسیر حرکت کنیم تا خودمان را در مسیر درست نگه داریم. مروری سریع بر مطالب سیاسی تاریخی که در مورد آنها صحبت کرده‌ایم، صرفاً برای اطمینان از اینکه به هدف رسیده‌ایم.

نگاهی دیگر به نقشه‌ای که باید با آن آشنا شویم، چه از نظر خاور نزدیک باستان و چه از نظر شفلا که امیدوارم اکنون با آن بسیار آشنا باشیم. نگاهی گذرا به برخی از مطالب ادبی که شروع به پرداختن به آنها کرده‌ایم و در فصل اول در رابطه با آن بازی‌های کلامی و ساختارهای موجود، مطالب زیادی دیده‌ایم. و البته، اگر اهمیت الهیاتی را که همچنان در این کتاب می‌درخشد، به ویژه از نظر عهد خدا با قومش و آنچه هنگام نافرمانی آنها اتفاق می‌افتد، و در عین حال وعده‌هایی که او به آنها خواهد داد، بررسی نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم.

پری در فصل اول به طور خاص در مورد سوگواری و برخی از مسائل مربوط به قضاوت صحبت کرد بنابراین ما نیز آن را مرور خواهیم کرد. بنابراین، اول از همه، به سرعت، مروری خواهیم داشت. زمینه تاریخی به این شکل بود.

پادشاهی جنوبی تمرکز اصلی است، نه کاملاً به این دلیل که سامره در آنجا بوده است، بلکه تمرکز اصلی است و ما با خواندن مطالب تاریخی و وقایع‌نگاری‌ها آموخته‌ایم، به خصوص اینکه پادشاهی جنوبی در زمان عزیا که ۵۲ سال سلطنت کرد، از رفاه و گسترش برخوردار بود. با این حال، به طور خلاصه اشاره کردم که شاید بتوانیم این حس را داشته باشیم که برخی سوءاستفاده‌های سیستماتیک وجود داشته است و ما شاهد آنها خواهیم بود، به خصوص با توجه به بخش‌های اولیه فصل دوم، اگر تصرف زمین‌های موروثی و غیره و غیره را داشته باشید. بنابراین، پیشرفت و رفاه اقتصادی خوبی که بخشی از سلطنت عزیا بود، ممکن است دلایل دیگری نیز داشته باشد.

یوتام، جانشین و هم‌نسل عزیا، به گسترش در نزدیکی شفله ادامه داد، اما پس از آن ما زمان زیادی را صرف صحبت در مورد آحاز کردیم که ارتدادش واقعاً داوری خدا را بر او نازل کرد و داوری خدا شامل تجاوز جدی از سوی پادشاهی شمالی، دوم تواریخ ۲۸، متحد با سوریه، که آن هم آرام نامیده می‌شود، و همچنین برخی تهاجمات از ادوم به جنوب شرقی و فلسطینیان به غرب بود. بنابراین، آحاز به طور قابل توجهی رنج خواهد برد. با نگاهی به آن فلسطینیان، آنها شهرهای بزرگی را بازپس گرفتند.

پری اشاره کرده بود که جَتّ به نوعی در نوسان بود. گاهی اوقات فلسطینی‌ها آن را در اختیار داشتند، گاهی اوقات اسرائیلی‌ها آن را، اما فلسطینی‌ها برخی از این شهرهای بزرگ را تصرف کرده بودند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، یهودا تحت فشار ادوم بود.

کل ماجرا به این خلاصه می‌شود که آحاز از نظر سیاسی در شرایط بسیار سختی قرار داشت، و حتی وقتی حزقیا روی کار آمد، اصلاحات او، هر چقدر هم که از نظر جلب توجه مردم و جشن گرفتن اعیاد و غیره فوق‌العاده بودند، مانع از آن نشد که دست سنگین آشور بر او فرود آید، سامره را در سال ۷۲۲ قبل از میلاد فتح کند و مطمئناً زندگی را برای اشدود و سپس آن شهرهای شفلا سخت کند. بنابراین، این مرور سریع ما از منظر تاریخی بود. همچنین فقط باید یک بار دیگر به نقشه نگاه کنیم.

می‌بینیم که در خاور نزدیک باستان، شرق مدیترانه، دوباره آشور، شهر نینوا، آشور، آن مکان‌هایی را داریم که این حاکمان به ترتیب از آنجا نیروهای خود را می‌فرستادند، که اغلب هدف آنها نه تنها سرزمین بین آن راهرو، بلکه مصر نیز بود. در این بین، هم اسرائیل را در شمال و هم یهودا داریم؛ ما به طور قابل توجهی در مورد آنها صحبت کرده‌ایم، و سپس می‌خواهیم به این واقعیت اشاره کنیم که این منطقه حائل دوم، اگر بخواهیم بگوییم، بین ابرقدرت اصلی آشور و آنچه در انتهای جنوب غربی هلال حاصلخیز، یعنی آرام می‌گذرد، به طور مداوم مهم است. با رفتن به خود شفلا، فقط یک بار دیگر با نقشه آن را مرور می‌کنم نمی‌توانم به اندازه کافی تأکید کنم که تهدیدها، نه منحصرأ، بلکه تهدیدهای بزرگ در طول قرن‌ها از سوی مردمی بوده است که در دشت ساحلی بالا و پایین می‌رفتند یا مانند فلسطینیان در آنجا زندگی می‌کردند و سپس از طریق آن دره‌های شفلا به آنجا نقل مکان می‌کردند.

این دره‌های شرقی-غربی بودند که این مسیرهای تهاجم را فراهم می‌کردند. بسته به اینکه هدفشان کجا بود، ممکن است از طریق یکی از آن پنج دره خارج شده باشند. و در اینجا همه آنها این بار به رنگ قرمز هستند، برخلاف دفعه قبل که آبی بودند.

این پایین‌ترین بخشی است که ما بیشترین علاقه را به آن خواهیم داشت، یا در رابطه با فصل اول و موقعیت لاکیش، بیشترین علاقه را به آن داشتیم. با این حال، اورشلیم از آن محافظت کرد و شاید گاهی اوقات، این محافظت را بدیهی می‌دانست. ما همچنین دیدیم که منطقه‌ی زادگاه میکاه کجا بود.

مریشا و مریشت - گات به وضوح با هم مرتبط هستند، با این حال، نکته اصلی این است که در شفله، آنها در این منطقه حائل و خارج از جاده کمربندی بودند. من فقط می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که بررسی این ساختار و سبک مهم است. مهم نیست که آن را به سه بخش یا چهار بخش تقسیم کنیم، و ما در مورد مزایا و معایب در نظر گرفتن یکی یا دیگری صحبت کردیم. با این حال، شما این کار را انجام می‌دهید؛ هر بخش از میکاه دارای آسیب روحی است، عمدتاً آسیب روحی، با پیروزی‌هایی از نظر ترمیم و گردآوری مجدد.

قضاوت، قضاوت اصلی، اما همچنین، کمی امید هم در آن نهفته بود. پری سخنرانی خود را در آخر، در پایان فصل اول، با اشاره به امیدی که بخش عمده‌ای از ابتدای فصل پنجم را تشکیل می‌دهد، به پایان رساند. از نظر سبکی، اشاره کردیم که چگونه خود زبان شکسته است.

آشفته است. بخش‌هایی وجود دارد که تقریباً از هم می‌پاشد. البته، یکی از چالش‌ها همیشه این است که وقتی مترجمانی دارید که سعی می‌کنند این کتاب را به انگلیسی ترجمه کنند، افراد حاضر در جایگاه یا افرادی که آن را می‌خوانند می‌توانند درک کنند که برخی از این شکستگی‌ها باید برطرف و اصلاح شوند.

، گهگاه، به خصوص در فصل‌های اول و دوم و حتی پس از آن (syntax) اما واقعیت این است که نحو، دچار وقفه می‌شود. به برخی از این موارد در بخش‌های بعدی فصل دوم اشاره خواهم کرد. ما در مورد سوگواری و درک اینکه چگونه گاهی اوقات این عبارات درونی، گریه یا ناله هستند، صحبت کرده‌ایم.

کلمات، کلمات سوگواری هستند. اعمال، اعمال سوگواری هستند. غلتیدن در غبار، که در فصل اول به آن اشاره شد، بخش عمده‌ای از آن سوگواری فرهنگی است.

این فقط کلامی نیست. فیزیکی هم هست. ما در مورد دیالوگ صحبت کردیم، و قرار است این را ببینیم، به خصوص در فصل دوم، آیات چهار تا هفت، زیرا نکاتی وجود دارد که در آنها از خود می‌پرسیم چه کسی صحبت می‌کند. و شما لایه‌هایی از گویندگان دارید، و ما باید آنها را تا حد امکان تجزیه و تحلیل کنیم. بخشی از این به این دلیل است که صدای میکاه و خداوند همزمان با هم ادغام می‌شوند، آنها صداهای دیگری را نقل می‌کنند، و ما این اتفاق را خواهیم دید، به خصوص در فصل دوم.

و سپس به صنایع ادبی به عنوان بخشی از سبک ارائه نیز اشاره کردیم. این پیامبر فوق‌العاده است. فقط یک مرور سریع بر رابطه عهد.

خداوند قوم اسرائیل را به عنوان یک نعمت برگزیده است. این موضوع به فصل ۱۲ کتاب پیدایش برمی‌گردد، جایی که ابراهیم و نسل او قرار است یک نعمت باشند، به نوعی محور این نعمت. و خودشان نیز برکت یافته‌اند.

آنها از برکت تورات، دستورالعمل‌های خداوند در مورد چگونگی زندگی بهتر برای ثمربخش بودن، برخوردارند. آنها از برکت زمین برخوردارند. این بخشی از وعده‌های عهد است.

آنها از حضور خدا در کنار خود متبرک هستند. و البته این موضوع از خیمه مقدس که در بیابان ساخته شد تا معبدی که متأسفانه آنها کم‌کم آن را بدیهی می‌دانستند، بسیار مهم است، به خصوص وقتی به ارمیا می‌رسیم، بخشی از آن را می‌بینیم. همانطور که قبلاً دیده‌ایم، نافرمانی آنها، به ویژه در این وسوسه مداوم بت‌پرستی ریشه دارد.

اما این، نسل اندر نسل، ادامه یافت. و به همین دلیل، به آنها هشدار داده شد که تبعید خواهند شد، و واقعاً هم همینطور شد. ابتدا، شمال را می‌بینیم، و می‌بینیم که این اتفاق در دوران سلطنت میکاه رخ می‌دهد. و در نهایت جنوب، با تخریب معبد.

و همانطور که پری گفته است، ما تخریب معبد را می‌بینیم، به ویژه در فصل سوم. مردم توسط پیامبران واسطه‌های اجرای عهد خدا، فراخوانده می‌شوند تا به عهد بازگردند. و باز هم، هدف همه این عذاب‌ها این بود که آنها را به عقب بکشانند، آنها را به سوی خداوند بازگردانند.

بنابراین، فقط برای اینکه این دو را به هم نزدیک کنیم، پیشگویی‌های میکاه بین داوری، آسیب روحی، و وعده، وعده امید، در نوسان است. و فقط برای تکرار، آنها سخنان خداوند و سخنان میکاه را در هم می‌آمیزند. از این گذشته، نام او به معنای کسی است که مانند خداوند است.

چند نکته‌ی دیگر هم هست که می‌خواهیم در مورد عهد بگویم که برای کیفرخواست‌های فصل دوم، اهمیت ویژه‌ای خواهند داشت. اول از همه، ده فرمان، که شاید بعضی از ما آنها را حفظ کرده باشیم، تمرکز ویژه بر نداشتن خدایان دیگر، بر نداشتن بت یا بت‌پرستی، عدم شهادت دروغ، شهادت دروغ ندادن، یعنی دروغ نگفتن. و البته، همه اینها با فرمان دهم به پایان می‌رسد، طمع نورزید.

و این کلمه، به خصوص در فصل دوم، از همان ابتدا ظاهر خواهد شد. علاوه بر این، در مورد عهد و شروط عهد، خداوند کاملاً روشن کرد که آنها باید نگران فقرا و افراد حاشیه‌نشین باشند و به آنها رسیدگی کنند. و این مربوط به زمین و انواع چیزهای دیگر خواهد بود.

بنابراین این نگرانی مهم است و به شکلی نسبتاً غیرمعمول، در اواسط فصل دوم، ظاهر خواهد شد. بدیهی است که هشدارهایی علیه پیامبران دروغین داده شده است. به آنها دستورالعمل‌هایی در مورد چگونگی تشخیص یک پیامبر دروغین از یک پیامبر واقعی داده شده است، تثنیه ۱۲ و ۱۸.

اما هشدارها علیه پیامبران دروغین فوق‌العاده مهم هستند. پیامبران دروغین در میگاه ظاهر خواهند شد و این یکی از موضوعات جالب ما در حل و فصل گفتگو خواهد بود.

یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی این عهد، عدالت خداوند بود، زیرا عدالت همیشه معیار سنجش بود. میزان تخلف آنها با پاسخ خداوند به آن سنجیده می‌شد.

این حتی، اگر بخواهیم اینطور بگوییم، از طریق کلمات منعکس و منکسر می‌شود. و باز هم، این چیزی است که در فصل دوم خواهیم دید. روشی که میگاه از کلمات برای به تصویر کشیدن گناهان آنها استفاده می‌کند، آن کلمات در نحوه پاسخ خدا به آنها منعکس می‌شوند.

و بعد درباره اهمیت تورات و از دست دادن جایگاه تورات صحبت کردیم. حرف‌های جدی. زمانی بود که دیگر تورات نمی‌خواندند.

ضمناً، قرار بود پادشاه تورات، تثنیه ۱۷ را بخواند. اما به محض اینکه پادشاه از انجام این کار دست کشید و دیگر تعلیم تورات وجود نداشت، آنها در مسیر نابودی قرار گرفتند. خب، این نوعی بررسی شرعی، ادبی، الهیاتی و جغرافیایی ماست.

فقط یک مرور سریع از فصل اول، همانطور که پری انجام داده است. داوری خداوند متعال علیه سامره و اورشلیم با آشکار شدن پایه‌ها و سقوط سنگ‌ها به دره‌های سامره ذکر شده است. ویرانی

تخریب شهرها و شهرستان‌ها و شفله و سوگواری که قرار بود بخشی از آن باشد. تمام چیزهای سوگواری که در آن عبارات دشوار گنجانده شده‌اند. یک رژه مداوم از نوعی دشمن، و من می‌خواهم بگویم جمع، در طول شاید یک دوره زمانی علیه برخی از شهرهای آسیب‌پذیر وجود دارد.

اگرچه، البته، ما نمی‌خواهیم این واقعیت را از دست بدهیم که سنحاریب در مورد به دست آوردن ۴۶ شهر در منطقه یهودا لاف می‌زد. و در نهایت، دروازه‌های اورشلیم هدفی است که دو بار در فصل اول ظاهر می‌شود. خب، با در نظر گرفتن این بررسی‌ها، اکنون به فصل دوم می‌رویم.

و به شما اعتراف می‌کنم که قرار است کمی آزمایش انجام دهیم. من هنوز نفهمیده‌ام که آیا این کار جواب می‌دهد یا نه. من دارم آن را روی مخاطبان مجازی‌ام امتحان می‌کنم، و شما می‌توانید خودتان تصمیم بگیرید. که آیا جواب می‌دهد یا نه.

ما قصد داریم فصل دوم را با هم مطالعه کنیم، و روند کار به شرح زیر خواهد بود. من بخش به بخش، گاهی آیه به آیه، ترجمه‌ای دردناک و تحت‌اللفظی از هر بخش ارائه خواهیم داد. و خواهید دید که واقعاً همینطور خواهد بود.

و قبل از اینکه جلوتر برویم، و اینجا جایی است که ما تصور می‌کنیم که در مورد آن تعامل داریم و فقط از تخیل خود استفاده می‌کنیم، اما قرار است چند سؤال بپرسیم. و من می‌خواهم قبل از اینکه جلوتر برویم، از خودتان چند سؤال بپرسید. به عنوان مثال، چه چیزی در این آیه خاص یا مجموعه‌ای از آیات برجسته است؟ چه چیزی قبل از اینکه من آن را برای شما برجسته کنم، به نظر ما می‌رسد؟ و البته، یک مسئله بزرگ این خواهد بود که مردم چگونه از عهد سوءاستفاده کرده‌اند. درست است؟ و آیا در این بخش خاص پاسخی از جانب خدا وجود دارد؟ او چگونه پاسخ می‌دهد؟ و سپس چه ارتباطات کتاب مقدسی دیگری را ممکن است بخواهیم ذکر کنیم، و چرا آنها مهم هستند؟ و می‌دانید چیست؟ اگر ما اینجا یک کلاس داشتیم، یک کلاس حضوری، احتمالاً یک سری سؤالات دیگر نیز مطرح می‌کردیم.

اما حداقل اینها مواردی هستند که می‌خواهیم روی آنها تمرکز کنیم. بنابراین، بدون مقدمه‌ی بیشتر، فصل دوم را با یک ترجمه‌ی تحت‌اللفظی به شدت دردناک شروع می‌کنیم. و من آن را برای شما می‌خوانم، و آن را به آرامی می‌خوانم، و احتمالاً شما متوجه برخی نکات خواهید شد.

به آن سوالات زرد نگاه کنید. احتمالاً قرار است شاهد نقض جدی عهد و هر چیز دیگری باشیم. پس بفرمایید.

وای بر آنان که نقشه‌های شوم می‌کشند و بر بسترهای خود شرارت می‌ورزند. در روشنایی صبح، آن را به عمل می‌آورند، زیرا در قوت دستشان است. و بر مزارع طمع می‌ورزند و آنها را غصب می‌کنند.

ضمناً، موارد داخل پرانتز به زبان عبری نیستند، اما من فقط آنها را اضافه می‌کنم. بگذارید دوباره آیه دوم را تکرار کنم. و آنها به مزارع طمع می‌ورزند و آنها را تصرف می‌کنند.

خانه‌ها را می‌گیرند. از یک مرد و خانواده‌اش و از یک مرد و ارثش اخاذی می‌کنند. حدس می‌زنم احتمالاً متوجه چیزهایی اینجا شده‌اید که توجهتان را جلب می‌کنند.

و قبل از اینکه به مواردی که متوجه می‌شوم اشاره کنم، کمی بیشتر مکث می‌کنم تا متوجه موارد بیشتری شوید، که البته به هیچ وجه فهرست کاملی نیست. اما خوب، رسیدیم. وای از این به بعد.

در زبان عبری روش‌های مختلفی برای گفتن «وای» وجود دارد. اما این یک عبارت است. این یک تعجب است.

اوضاع الان جدی است. کاملاً جدی. بعضی‌ها این کلمه عبری را می‌گیرند و می‌گویند، اوه، یعنی افسوس.

این فقط یک مرثیه است، چیزی شبیه به سوگواری. اما به اندازه کافی از این کلمه استفاده شده که در واقع به معنای وای بر شما باشد. داوری در راه است.

من همین الان متوجه چند تا از آنها شدم، و موارد دیگری هم وجود دارد. اشعیا ۵ مجموعه‌ای از این عبارات غم‌انگیز را دارد.

و من به سادگی به دو مورد از آنها اشاره کردم. مورد اول برای مسیری که در فصل دوم به آن می‌پردازیم کاملاً مناسب است. علیه کسانی که اموال را تصاحب می‌کنند، یعنی مرزها، دارایی‌ها و املاک شما را گسترش می‌دهند.

و سپس، پس از تعدادی مصیبت دیگر، اشعیا ۵:۲۰. تقریباً همه چیز علیه کسانی که بدی را خوب و خوبی را بد می‌نامند، کنار هم قرار گرفته است. لنگر اخلاقی آنها یک فاجعه مطلق است.

خب، حدس می‌زنم این اولین چیزی است که به ذهنتان می‌رسد. و چند نکته‌ی دیگر را که باید به ذهنتان برسد، حذف کرده‌ام. دیوایس، می‌خواهم که به آن پایبند باشید چون قرار است در پاسخ‌های خداوند، دیوایس را ببینیم.

یادت هست، پیمان‌ه در برابر پیمان‌ه؟ آنها مشغول تدبیر در دسر هستند. خب، او قرار است پاسخی برای آن تدبیر کند. همان کلمه عبری استفاده شده است.

اما در این بین، لحظه‌ای درنگ کنید و به انجام کارهای شیطانی در رختخوابشان فکر کنید. نمی‌گویند که در رختخوابشان نقشه شیطانی بکشید. می‌گویند در رختخوابشان کارهای شیطانی انجام دهید.

ضمناً، می‌کام تمایل دارد اصطلاحات استاندارد را که در بخش‌های دیگر کتاب مقدس عبری آمده‌اند، کمی تغییر دهد. و این یکی از آنهاست. اما وقتی او این کار را می‌کند، به نوعی این ایده به ذهنمان می‌رسد که این افراد آنقدر غرق در شرارت خود هستند که نه تنها شب‌ها به آن فکر می‌کنند، بلکه در واقع شروع به بررسی نحوه انجام آن می‌کنند تا وقتی از رختخواب بیرون می‌آیند، بتوانند آن پیوستگی را از نقشه‌های شیطانی خود تا اجرای آن شرارت داشته باشند.

پس وای بر کسانی که نقشه‌های شوم می‌کشند. آنها در رختخواب‌هایشان شرارت می‌ورزند. و سپس صبح که از خواب بیدار می‌شوند، متوجه می‌شوند که در بقیه‌ی می‌کام نیز صبحی در مقابل تاریکی رخ خواهد داد.

و این به قدرت دست آنهاست. این به قدرت دست آنهاست. حالا، فقط یک نکته‌ی سریع

دست در زبان عبری می‌تواند به معنای قدرت باشد. گاهی اوقات این حس قدرت را دارد. اما این اصطلاح به آمده است. این کلمه برای خدا است L ویژه جالب است زیرا در

این در دست آنهاست، یود. بنابراین، آنها مصمم هستند که از هر بخش از قدرت خود برای حل این شر استفاده کنند. این به معنای مهربانی با آنها نیست.

و البته، آیه دوم، طمع. ما می‌دانیم که این چقدر بد است. گذشته از همه اینها، دهمین فرمان یک هشدار قوی است.

بدر از این، یا بهتر از آن، این است که می‌گویند طمع نکنید، زیرا طمع، انواع دیگر اعمال را برمی‌انگیزد. آنها آنها را تصاحب می‌کنند، می‌برند، اخاذی می‌کنند و ارث را تصاحب می‌کنند. ضمناً، پولس رسول در مورد بت‌پرستی به عنوان طمع صحبت می‌کند، درست است؟ و بنابراین طمع، و طمع، این دو بسیار با هم هستند، با بت‌پرستی آنها نیز در تضاد قرار می‌گیرند.

اینها گناهان اجتماعی و اقتصادی از یک سو و گناهان مذهبی از سوی دیگر نیستند. آنقدرها هم تقسیم‌شده نیستند. به مسئله ارث پایبند باشید.

فقط به آن توجه کنید. ما کمی بیشتر با چند آیه بعدی سر و کار داریم و سپس کمی مکث و خلاصه خواهیم کرد. بنابراین، فکر می‌کنیم، به سراغ خواندنمان می‌رویم.

بفرمایید. آیات سه تا پنج. پاسخ از جانب خداوند

، باز هم، ما به دنبال چیزی هستیم که اینجا می‌بینیم. بنابراین، این یک پاسخ است. خداوند چنین می‌گوید. اینک من بلاپی بر سر این خانواده می‌آورم که شما نمی‌توانید گردن خود را از آن جدا کنید.

بسیار خوب، آن تصویر را بردار. با غرور راه نخواهی رفت، زیرا زمان بدی خواهد بود. در آن روز، مردم ضرب‌المثلی را خواهند پذیرفت.

ضمناً، این کلمه عبری برای ضرب‌المثل است، اما احتمالاً اینجا به معنای طعنه زدن است. به آن برمی‌گردیم. کسی طعنه‌ای علیه تو خواهد زد و مرثیه و نوحه سر خواهد داد.

و حالا می‌خواهیم آن را نقل قول کنیم. آیا تا الان متوجه شده‌اید، یک سری سخنران و غیره؟ خداوند دارد صحبت می‌کند. در آیه چهارم، کسی، به گفته خداوند، قرار است شروع به گفتن یک ضرب‌المثل کند.

و حالا آن شخص گوینده دارد از کس دیگری نقل قول می‌کند. بنابراین، ما اینجا لایه‌هایی از متن داریم. به هر حال، این هم از این.

نابود شده‌ایم، ما نابود شده‌ایم. این احتمالاً کمی تمسخرآمیز است. او سهم مردم من را تغییر داده است.

چگونه آنچه را که متعلق به من بود، از من گرفت. او مزارع ما را بین یک مرتد تقسیم کرد. نقل قول بسته

بنابراین، شما کسی را نخواهید داشت که در جماعت خداوند، طناب اندازه‌گیری را به قید قرعه بیندازد. خب، اگر شما هم مثل من باشید، اولین باری که این را می‌خوانید، سرتان گیج می‌رود. نه تنها این سوال که چه چیزی در پاسخ‌های خداوند برجسته است، بلکه چه کسی آنها را بیان می‌کند؟ و چه چیزی در اینجا کشیده و بافته می‌شود؟ چه چیزی گفته می‌شود؟ بیابید ببینیم با آن چه می‌توانیم بکنیم.

«این کامل نیست، اما حداقل چیزی است که به ما کمک می‌کند تا آن را درک کنیم. به شما گفتم که «تدبیر را در ذهن خود نگه دارید زیرا ما پاسخی سنجیده و سنجیده داریم. خداوند می‌گوید: من در حال تدبیر شرم هستم».

و توجه کنید که علیه این خانواده است. خب، این یک جزء جدید را معرفی می‌کند، اینطور نیست؟ خانواده این خانواده خداست.

ما آموس را داریم که از همین نوع عبارات استفاده می‌کند، اما این خانواده‌ای است که در نافرمانی وحشتناکی علیه او هستند. و این [نافرمانی] تفرقه‌انگیز است. من دارم علیه این خانواده نقشه شیطانی می‌کشم.

بگذارید یک چیز دیگر را هم پیشنهاد کنم. ایده خانواده و ارث با هم جور در می‌آیند، درست است؟ و این مهم است. چیزی که نمی‌توانید گردننتان را از آن جدا کنید.

این پیشنهاد، دوباره، تلویحاً مطرح شده است، اما اگر چیزی بر گردن آنها باشد، احتمالاً یک یوغ است. و احتمالاً یوغی است که به اندازه کافی سنگین است که آنها را به تعظیم وادارد. و در حالی که آنها تا حدودی با غرور راه می‌رفتند، اکنون با غرور راه نخواهند رفت.

آنها خم خواهند شد. این دوران تحقیرآمیزی خواهد بود. و سپس جزئیات بیشتری را در آیات چهار و پنج داریم.

و بگذارید ببینم می‌توانم این را کمی باز کنم. در آن روز، هر زمان که باشد، کسی این ضرب‌المثل یا این طعنه را علیه شما خواهد زد. و ناله، سرود صبحگاهی، ناله سر داد

در زبان عبری، در اسلاید بعدی به این موضوع برمی‌گردم. این خیلی جالب است چون ریشه مشترکی دارد. مجموعه صامت‌های عبری مشترکی دارد. بنابراین، ما سوگواری، سرود صبحگاهی و ناله داریم، اما همه آنها به هم مرتبط هستند.

و این بخشی از بخش شنیدنی این پیام خواهد بود. و سپس نقل قول اینجاست. این تمسخر کسی است که می‌گوید، آه، این افرادی که همه این چیزها را گرفته‌اند، اکنون از آن شکایت می‌کنند زیرا به نوعی خداوند اکنون آنها را قضاوت می‌کند.

نقل قول، نابود شده. ما نابود شده‌ایم. او احتمالاً خداوند است.

او سهم قوم مرا تغییر داده و آنچه را که متعلق به من است، از آنها گرفته است.

او مزارع ما را به یک مرتد تقسیم کرده است. خدا زمین را دوباره تقسیم می‌کند. حال، آیا این یک تفسیر کاملاً مطمئن است؟ شاید نه.

شاید منظور از «او» «کس دیگری باشد. اما به نظر من منطقی است که آنها شاهد اتفاقی هستند، به خصوص از آنجایی که در آیه پنجم ادامه می‌یابد و می‌گوید، بنابراین، شما، آن دسته از افرادی که زمین را غصب کرده‌اید و در آیات اول و دوم، چیزهایی را غصب کرده‌اید، خانه‌ها را غصب کرده‌اید، اموال را غصب کرده‌اید، اکنون از چیزهایی که غصب کرده‌اید محروم خواهید شد. خدا زمین را دوباره تقسیم کرده است.

کمی بعد به موضوع مرتد برمی‌گردم. اما ایده این است که اندازه‌گیری خط به قرعه در جماعت خداوند احتمالاً به یک چیز فرهنگی اشاره دارد که در آن، و من در این مرحله به تفسیر لسانی آن تکیه می‌کنم. او می‌گوید که این احتمالاً به مجمع مقدس اشاره دارد. اکنون ما این را عمدتاً در اسفار پنجگانه قبل، خیلی قبل‌تر، و کتاب یوشع می‌بینیم، اما آنجا جایی است که آنها دور هم جمع می‌شدند و با قرعه، سهم ارث را تقسیم می‌کردند.

او می‌گوید شاید این موضوع در مورد مجامع مقدس ادامه پیدا کرده باشد. به هر حال، بیایید ببینیم آیا می‌توانیم این موضوع را پیش ببریم یا خیر. بله، بیایید خلاصه‌ای از آنچه تاکنون گفته شده و آنچه در مورد چند مورد دیگر، راه‌های تفکر در مورد کیفرخواست و پاسخ‌های خداوند داریم، ارائه دهیم.

واضح است که سوءاستفاده از قدرت، غصب و طمع، اما پیشنهاد این است که شاید این چیزی بوده که برای آنها آشنا بوده است زیرا آنها میراث خود را می‌دانستند. اگر اول پادشاهان ۲۱ را بخوانید، با وضعیت واقعاً زشتی روبرو می‌شوید. اخاب ملکی را می‌خواهد که متعلق به شخصی به نام نابوت است.

این یک تاکستان است و او آن را می‌خواهد. و نکته جالب این است که او درست زمانی که این افراد در رختخواب خود نقشه انجام کارهای شیطانی را می‌کشیدند، روی تخت خود اخم می‌کرده است. بنابراین، حتی از نظر کلامی، ارتباطات جالبی بین آنها وجود دارد.

خب، اخاب در رختخوابش قهر کرده است. ایزابل ترتیب یک اتهام دروغین و غیره را می‌دهد تا اموال موروثی نابوت پیش او بماند، در قبیله بماند، در واقع قابل تصرف باشد زیرا او به دروغ متهم شده است، برایش پرونده‌سازی می‌شود، اعدام می‌شود و سپس اخاب اموالش را به دست می‌آورد. علاوه بر این، دوباره، نوعی پاسخ به این کیفرخواست اولیه یا تلاش برای باز کردن آن است، قبلاً این را گفتم و این یک مفهوم ضمنی است.

این مستقیماً در متن نیست، اما شاید وقتی تمام رونقی را که بخشی از پادشاهی عزیا بود، در نظر بگیرید گسترش‌ها، شاید زمین‌دارانی بودند که فقط دارایی‌های خود را افزایش می‌دادند و این کار را به روش‌هایی انجام می‌دادند که مناسب نبود. هوشع به افرادی اشاره می‌کند که مرزها را جابه‌جا می‌کردند و اینکه این کار چقدر در نظر خداوند وحشتناک بود. شاید برخی از این اتفاقات در حال رخ دادن باشد.

من قبلاً این را اعلام کرده‌ام، اما این می‌تواند باشد، این به وضوح نقض اصول ارث است. من مطالب موجود در لاویان ۲۵ را که تماماً در مورد زمین متعلق به خداوند است، یا این قسمت‌ها را در اعداد ۲۷ و ۳۳ نمی‌خوانم، اما در اعداد ۳۶، آیه ۷، و تکرار شده در آیه ۹، موارد زیر را داریم. میراث بنی اسرائیل از قبیله‌ای به قبیله دیگر منتقل نخواهد شد، زیرا هر اسرائیلی به میراث قبیله پدران خود خواهد چسبید.

البته، این ماجرا مربوط به چند قرن قبل از این است، اما به نظر می‌رسد که به عنوان هر نوع عمل مذهبی اجتماعی-اقتصادی کاملاً رد شده است. پاسخ خدا؟ تدبیر در برابر تدبیر. آنها نقشه کشیدند، این کلمه به معنای تدبیر است، شر اخلاقی و اجتماعی.

خداوند شرارت ویرانگری را علیه تمام خانواده ترسیم خواهد کرد. ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم. آنها غصب کردند، و باز هم، این یک کلمه قوی است؛ این کلمه به معنای چنگ زدن، قاپیدن، مزارع، خانه‌ها است که به معنای ارث است.

خدا در مجلس حکم را رد می‌کرد، و بنابراین، به نوعی، از کسانی که این کار را به طور نامشروع انجام می‌دادند، بازپس می‌گرفت. زمین، به هر حال، مال او بود. بدیهی است که از تکبر کسانی که شاید تا حدودی مغرور و غیره بودند، زمین‌داران بزرگ، کاسته می‌شد.

همانطور که دیده‌ایم، این نماد یک یوغ است و یوغ به معنای سنگینی است. علاوه بر این، وقتی این طعنه یا این تمثیل را نقل می‌کنیم، به نظر می‌رسد که نوعی تمسخر در آن نهفته است. بگذارید ببینم می‌توانیم این را منطقی جلوه دهیم یا نه.

«مَثَل این است که قبل از شروع نقل قول، «نَحَه»، «نَهِ»، «نَهِ» دارید. این خیلی با «آره، آره، آره» فرق ندارد. می‌دانید، هر دو یک چیز را می‌رسانند.

آنها دارند سزای کارشان را می‌بینند، و کسی که این مَثَل را نقل می‌کند، آن را با نوعی تحقیر، نُها، ناهی، نُهیا، آره، آره، آره، آره، معرفی می‌کند. سپس ادامه می‌دهد و آنچه را که آنها گفته بودند نقل می‌کند. خب چون باید جلوتر برویم، و باز هم، من کاملاً آگاهم که بخش‌هایی از این آیات وجود دارد که لزوماً به طور کامل به آنها نپرداخته‌ام، اما تا جایی که می‌توانم سعی می‌کنم آن را تا حد امکان قابل فهم کنم، و قرار است آیه پنجم را، هرچند کمی چالش‌برانگیز است، رها کنیم و به سراغ شش و هفت برویم.

خب، شروع می‌کنیم. وقتی داشتیم درباره مسائل زبان‌شناسی صحبت می‌کردیم، از قبل به شما هشدار دادم که استفاده از این کلمه، چکه کردن، مهم خواهد بود. خب، حالا داریم می‌گوییم، چکه نکن

احتمالاً، کلمات، چکه می‌کنند. در مورد این چیزها نباید چکه کنند. سرزنش فرا نخواهد رسید، یا می‌توان آن را رفتن ترجمه کرد، و سپس احتمالاً ما را

آیه ششم واقعاً چالش برانگیز است. آیا متوجه منظور من می‌شوید؟ واقعاً چالش برانگیز است. بعداً به آن برمی‌گردم.

آیا گفته شده است، ای خاندان یهودا، و سپس احتمالاً خاندان یهودا، در این نقل قول بعدی گفته است، آیا روح خداوند کوتاه است اگر اینها آثار او باشند؟ یک وقفه بزرگ. سخنران دیگر. قسمت آخر آیه هفت

آیا حرف‌های من در مورد کسی که با صداقت قدم برمی‌دارد، فایده‌ای ندارد؟ خب، ما دوباره به آن با نکات برجسته معمول و غیره می‌پردازیم، اما می‌خواهم توجه کنید که چطور باید بین هر بخش سرعتمان را کم کنیم، زیرا با تغییر گوینده‌ها، لازم است مکث کنیم و بفهمیم چه اتفاقی دارد می‌افتد. خب، اینجا چه چیزی را متوجه می‌شویم؟ این یک سوال است.

و دومین نکته‌ی من این است که ما باید لفاظی‌ها را اصلاح کنیم. و بنابراین من سعی کردم کمی این کار را انجام دهم. دوباره آن را تکرار خواهم کرد.

پیش از این، خداوند از طریق میکاه سخن گفته است. اینها آیات پیشین هستند. بنابراین، خداوند می‌گوید

، و بعد مطالبی را داریم که در آیات چهار و پنج به آنها پرداختیم، که نقل قول‌های خاص خود را دارد. حالا از آیه شش، میکاه نقل قول می‌کند، اما او از پیامبران دروغین نقل قول می‌کند که اگر این منطقی باشد، پیام قبلی را رد می‌کنند. و بنابراین، منظور میکاه از «می‌چکند» این است که می‌گوید، بسیار خوب، هر چیزی که در دو طرف «می‌چکند»، قبل و بعد از آن، همان چیزی است که پیامبران دروغین می‌گویند.

بنابراین، آنها می‌گویند، همانطور که میکاه در آیه ششم بیان می‌کند، پیشگویی نکنید. من از کلمه پیشگویی استفاده می‌کنم، و او نگفت چکه. و بعد به آن اشاره می‌کند؛ این افراد هستند که این چیزها را می‌گویند.

سپس برمی‌گردد و می‌گوید که نباید در مورد این چیزها آب از آنها چکه کند. سرزنش و ملامت به جایی نخواهد رسید. و سپس صدای دیگری داریم، بخش اول آیه هفت، و باز هم صدای دیگری، بخش دوم آیه هفت.

خب، این چالش وجود دارد. و من سعی می‌کنم کمی آن را بهبود ببخشم، حالا دوباره با رنگ‌ها و غیره این کار را انجام می‌دهم. چون اگر تا الان منظورم را نرسانده باشم، فقط سعی می‌کنم لفاظی‌ها را باز کنم، شاید اینجا کمی بیشتر کمک بگیریم.

چکه نکن. لحظه‌ای وقت بگذارید و به آنچه در پایین صفحه دارم بروید. کلمه عبری که چکه ترجمه شده است، بیشتر در مورد چکیدن مایع، چکیدن آب استفاده می‌شود.

همانطور که در باب نهم عاموس می‌بینیم، میوه و شراب در آن سرود عاشقانه‌ی شگفت‌انگیز، سرود سرودها، چکه می‌کنند. مُر می‌چکد. در امثال پنجم، که دقیقاً مثبت نیست زیرا درباره‌ی زنی است که زناکار است، عسل از لبانش می‌چکد.

قطرات باران. این چکیدن مایع است و بیشتر ارجاعات به همین موضوع اشاره دارند. با این حال، مواردی وجود دارد و حزقیال ۲۱ یکی از موارد کلیدی است که در آن از اصطلاح چکیدن استفاده می‌کند، نَتَو کلمه عبری است و به معنای پیشگویی استفاده خواهد شد.

بنابراین این یک روش بسیار جالب است. آنها میکاه را به چکه کردن متهم می‌کردند. همانطور که او آنها را دوباره نقل می‌کند، آیه هفتم، می‌گوید که آنها مشغول چکه کردن هستند.

و بنابراین شما این اتهامات دوگانه یا حداقل طعنه‌ها را دارید. آنها احتمالاً نظرات طعنه‌آمیزی هستند که مدام تکرار می‌شوند. نکته دیگری که باید در اینجا به آن توجه کرد این است که وقتی او دوباره شروع به نقل قول از آنها می‌کند، نشان می‌دهد که شاید میکاه تنها نیست.

گاهی اوقات این حس را داریم که میکاه به تنهایی این پیام‌ها را بیان می‌کند، اما اگر این پیامبران می‌گویند که نباید در مورد این چیزها چیزی بگویند، من به زودی به این چیزها برمی‌گردم، پس ممکن است افراد دیگری هم با او پیشگویی کنند. شاید. به هر حال، این یک پیشنهاد امیدوارکننده است.

اما ضمناً، روش‌های مختلفی برای ترجمه این وجود دارد. اکثر مردم می‌گویند چکه کردن یعنی پیشگویی. همانطور که می‌دانید، من با این حرف قانع نشده‌ام.

یاوه‌گویی کلمه‌ی دیگری است. یاوه‌گویی نکن. این هم یک راه برای کنار آمدن با آن است.

بعضی‌ها می‌گویند فواره نزنید. حداقل این طوری می‌شود قضیه‌ی چکه کردن آب را. اما به هر حال، این هم از این حرف‌ها.

حالا، این چیزها چیستند؟ آنها نباید در مورد این چیزها صحبت کنند، و سپس این‌ها دوباره در آیه ۷ ظاهر می‌شوند. و پیشنهاد این است که انبیای دروغین واقعاً آزرده خاطر شده‌اند. چرا میکاه و دار و دست‌هاش در مورد داوری پیشگویی می‌کنند؟ معنای ضمنی این است که ما سزاوار داوری نیستیم.

چرا آنها درباره داوری صحبت می‌کنند؟ چطور ممکن است این کار را انجام دهند؟ و حالا، همانطور که میکاه با پایان دادن به آیه ۶، کل ماجرا را تمام می‌کند، ما هم می‌خواهیم آن را رها کنیم، و او می‌گوید، او، آیا گفته شده است، ای خاندان یعقوب، آیا روح خداوند کوتاه است؟ به عبارت دیگر، آنها اساساً می‌گویند چگونه خدا می‌تواند از ما خشمگین شود؟ بیایید، او چگونه می‌تواند؟ ما خانواده او هستیم. او چگونه می‌تواند خشمگین شود؟ چگونه اینها می‌توانند اعمال او باشند؟ اینها، دوباره، به داوری‌هایی اشاره دارند که میکاه به آنها هشدار داده است. چگونه ممکن است چنین باشد؟ چگونه همه اینها نوعی تصویر را ایجاد می‌کند؟ حال، اگر در کنار هم قرار دادن همه اینها مشکل دارید، در اینجا پیشنهادی وجود دارد.

همانطور که پیامبران دروغین، دروغین هستند، ممکن است که لفاظی‌های اینجا، ناهماهنگی در گفته‌های آنها را منتقل کند، زیرا خود لفاظی‌ها منسجم نیستند. و ضمناً، من حتی زحمت پرداختن به آن «سبقت گرفتن» را به خودم ندادم، چون واقعاً تلاش برای فهمیدن معنی آن، دردسرساز است. کلمه عبری سخت است؛ دشوار است، و می‌تواند فقط نشان‌دهنده این واقعیت باشد که آنچه آنها می‌گویند، در نهایت منسجم نیست.

شاید این هم بخشی از این پیام باشد. به هر حال، آیه ۷ دو عبارت کاملاً متضاد دارد. بخش اول آیه ۷ ادامه‌ی افرادی است که نمی‌توانند باور کنند که خدا از دستشان عصبانی باشد.

چرا او در مورد این چیزها چیزی می‌گوید؟ بخش دوم پس از یک مکث بسیار مشخص و تغییر گوینده است، زیرا احتمالاً سخنان میکاه و خداوند با هم است. آیا سخنان من برای کسانی که با صداقت رفتار می‌کنند یعنی کسانی که با صداقت رفتار نکرده‌اند، مفید نیست؟ پس چطور ممکن است از آنها در مورد اینکه آیا خداوند می‌تواند این کارها را انجام دهد، بپرسند؟ البته، اگر آنها با صداقت رفتار نکرده باشند، او این کار را خواهد کرد. بسیار خوب، ما هنوز کارمان تمام نشده است.

ضمناً، اگر کلاس داشتیم، احتمالاً در این مرحله برای بحث طولانی مکث می‌کردیم، اما شما کلاس هستید می‌توانید در مورد آن بین خودتان بحث کنید. در اینجا آیات ۸ تا ۱۱ آمده است. ما اولین سوءاستفاده‌های اجتماعی-اقتصادی را داشته‌ایم.

ما مورد دوم را داشته‌ایم؛ انبیا انواع و اقسام چیزها را مطرح می‌کنند، و میکاه آنها را به آن دعوت می‌کند، اما آنها نمی‌فهمند که چرا خدا این کارها را انجام می‌دهد. حالا مورد سوم از راه می‌رسد، و آن هم چالش برانگیز است. اول خواندن کامل، و شما می‌دانید که باید به دنبال چیزهایی باشید که چالش برانگیز هستند.

من حتی این را اینجا نوشتم. اخیراً، مردم من، آنها قیام کرده‌اند تا دشمن شوند. از جلوی لباس، ردا را از تن درمی‌آورید، جلال، مطمئن نیستم.

از رهگذران، احتمالاً، کسانی که از نبرد بازمی‌گردند، در امان باشید. زنان قوم من را از خانه مجلل او دور کنید. به تغییر از زنان جمع به مفرد او توجه کنید.

از فرزندان خردسالش، جلال مرا برای همیشه از او می‌گیری. برخیز و برو، زیرا اینجا آرامگاه نیست. زیرا نجس شده، ویران خواهد شد و بیمار، هلاک.

اگر کسی بیاید و با روحیه‌ی دروغگویی دروغ بگوید، می‌گوید: «من برای تو در مورد شراب و آبجو چکه می‌کنم.» یا شاید این حرف اضافه به این معنی باشد که «من برای تو در مورد شراب و آبجو چکه می‌کنم. به عبارت دیگر، اگر به اندازه‌ی کافی به او پول بدهند، هر چه که آنها بخواهند می‌گوید.

در هر صورت، این قطره چکان این قوم است. بسیار خوب، بیایید ببینیم با این یکی چه می‌کنیم. قوم من، ما قبلاً این را دیده‌ایم، و حالا آنها دشمن شده‌اند.

و ما باید این را با تمام وحشتی که وجود دارد ببینیم. مردم من، آنها در حال قیام برای تبدیل شدن به دشمن هستند، دشمنی علیه چه کسی؟ آیا این دشمنی در میان مسائل خانوادگی است؟ آیا این به طور غیرمستقیم شاید، به آن درگیری بین برادران شمالی، بنی‌اسرائیل، پادشاهی شمالی و یهودی‌ها، در آن جنگ صفر افرایمی اشاره دارد، زمانی که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر اسیر شدند، بسیاری از مردم کشته شدند، بسیاری از آنها اسیر شدند؟ آیا این چیزی است که اتفاق می‌افتد؟ ما با اطمینان نمی‌دانیم.

اما به هر حال، آنها، مردم من، در حال قیام برای تبدیل شدن به دشمن هستند. و بعد دوباره جزئیاتی. شما فقط باید درک کنید که این چقدر وحشتناک است.

و حتی دشواری ترجمه و قابل فهم کردن آن، به ما این حس را می‌دهد که برای افرادی که از آن نوع درگیری که به نوعی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، به خانه برمی‌گردند، چه احساسی دارند. از جلوی لباس، پوشش یا شاید نوعی نشان را درمی‌آورید. مطمئن نیستم که این کلمه به چه معناست.

از رهگذرانی که گمان می‌کنند در امان هستند. قرار بود اگر از جنگ برمی‌گشتند، بتوانند در امنیت برگردند. و تازه، نه تنها آنها، بلکه بیایید آنها را کهنه سربازان جنگ بنامیم.

به آنها احترام گذاشته نمی‌شود. مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. و بعد این به زنان می‌رسد.

زنان قوم من، شما از خانه مجلل او دور می‌شوید. و نه تنها زنان، بلکه کودکان را نیز. از فرزندان خردسالش. شما جلال مرا برای همیشه از من می‌گیرید.

و البته، اگر همه این مسائل مربوط به چالش‌های اجتماعی-اقتصادی، آسیب‌های روانی پس از جنگ یا اواسط جنگ، فرار افرادی که از جنگ پناهنده شده‌اند، فقط یک فاجعه باشد. و چه اتفاقی برای کودکان نسل بعدی می‌افتد؟ شما برای همیشه شکوه و جلال مرا از من می‌گیرید. هر معنایی که داشته باشد.

آیه ۱۰، برخیز و برو. به برخاستن در آیه ۸ توجه کن. آنها در دشمنی برخاسته‌اند. اکنون خداوند می‌گوید برخیز.

تو بلند خواهی شد، اما این بلند شدن از نوع متفاوتی خواهد بود. این بلند شدن به این دلیل خواهد بود که مجبور به رفتن خواهی شد. اینجا جای آرامش نیست.

ما قصد داریم به این موضوع برگردیم که آن چیز چه می‌تواند باشد. هر چه هست، آلوده شده، ویران شده، یک ویرانی دوم. کلمات فقط در اینجا کنار هم چیده شده‌اند تا بر وحشتناک بودن آن تأکید کنند.

و بعد یه جورایی یه جورایی، یه ساندویچ، آگه بخوای، با اون ماجرای چکه کردن توی ابتدای این پیشگویی آیه ۶. حالا، آیه ۱۱. آگه یه نفر بیاد و با روحیه دروغگویی دروغ بگه، کلی چیزهای دروغ اینجا اتفاق میفته. برات چکه می‌کنم.

من برای شراب و آبجوی تو قطره قطره می‌چکم. و باز هم، دروغ، کفر است. کلمه در اینجا به آبجو ترجمه شده است.

باشد. قرار است تفاوت یا شباهت آن را بشنوید. این قطره‌چکان shekar آن NIV فکر می‌کنم ترجمه مخصوص این قوم است.

بسیار خوب، بیایید برخی از چیزهایی را که از این موضوع استنباط کرده‌ایم خلاصه کنیم. اول از همه، کاملاً واضح است که مقام نبوت تحریف شده است. آنها قادر به درک نیستند و می‌گاه را مسخره می‌کنند.

او هم آنها را مسخره می‌کند. همچنین کاملاً واضح است که تمام جنبه‌های بافت اجتماعی از هم پاشیده است. اگر آنها با افرادی که از جنگ بازمی‌گردند به این شکل رفتار می‌کنند، اگر زنان و کودکان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، دیگر اثری از آنها نیست.

این یه آشفتگیه. خب، ما می‌دونیم که پیامبران، پیامبران بزرگی نیستن. من قبلاً به این واقعیت اشاره کردم که این تصویر بسیار جالب از چکه کردن، این چیز رو شکل می‌ده.

این آغاز و پایان است. اگر بخواهید، نوعی شمول است. و در درون، ما قیام و سپس قیام و تبعید را داریم.

بنابراین، حتی ساختار ادبی فوق‌العاده‌ای هنگام انتقال این مطالب وجود دارد. و من این را نیز تکرار می‌کنم زیرا ارزش توجه دارد. شکر، شکر.

شما این را خواهید شنید. بخشی از تصویر، به ویژه همانطور که از آن برداشت می‌شود، این است که چگونه خداوند می‌تواند از ما عصبانی باشد؟ من این را به طور خلاصه بیان کردم، اما احتمالاً این همان چیزی است که در حال وقوع است، و با آن مقابله می‌شود زیرا آنها فرض می‌کنند که قوم خدا، قوم من و غیره، بخشی از یک خانواده هستند. این با دعوت خداوند به صداقت مقابله می‌شود.

کسی که با من همراه شود، کاری را که وظیفه‌اش است انجام خواهد داد. ما با صداقت زندگی خواهیم کرد و راه خواهیم رفت. فقط چند نکته‌ی اضافی.

باز هم، برای خلاصه کردن چیزهایی که به نوعی در موردشان کنجکاو بوده‌ام، باید بگویم وقتی لباس مردم را دزدیدند، این برخلاف دستورالعمل‌های بسیار اساسی تورات بود. برای مثال، قرار نبود لباس کسی را حتی به عنوان گرو، یک شب نگه دارند.

چند تا مرجع بهتون میدم. حتی بیشتر از اون، آگه اینا کهنه سربازهای جنگ باشن که برمی‌گردن، این اصطلاح ما برای اونا میشه، که هر نشون افتخاری که براشون مونده رو ازشون بگیرن. شاید منظور از اون کلمه برای ردا همین باشه.

و همچنین پوشش، نهایتاً سوءاستفاده است. زنان، و احتمالاً بیوه‌هایشان، اگر در شرایط جنگی کشته شده باشند، از خانه‌هایشان رانده می‌شوند. ضمناً، می‌گاه از اصطلاحات استاندارد برای افرادی که به حاشیه رانده شده و از حقوق خود محروم شده‌اند، استفاده نمی‌کند.

منظور بیوه زنان، بیگانگان و یتیمان است. او از این کلمات استفاده نمی‌کند. در عوض، از توصیفات استفاده می‌کند تا نکته را برساند و ما را به فکر فرو برد، زیرا تورات بارها و بارها از اصطلاحات بیوه زنان، بیگانگان و یتیمان استفاده می‌کند.

ضمناً، آنها بسیار معنادار و مهم هستند. اما اگر آن افراد کمی با آنچه که شاید برایشان به یک اصطلاح تبدیل شده بود، بیش از حد آشنا می‌شدند، می‌گاه توجه آنها را جلب می‌کرد. بنابراین، پیشنهاد این است که بچه‌ها، همانطور که خداوند می‌گوید، جلال من را نخواهند داشت. تجربه آنها از جلال خدا کاملاً در هم خواهد شکست.

خب، فقط در مورد محل استراحت، بعضی‌ها فکر می‌کنند که محل استراحت و نجس شدن آن به طور خاص به زمین اشاره دارد. می‌تواند اینطور باشد، و من در اینجا به یک متن بزرگتر ارجاع می‌دهم و نقل قول می‌کنم. و ضمناً، لاویان ۱۸ کاملاً در مورد نجس شدن در فعالیت‌های جنسی است.

پری به کشف برهنگی اشاره کرد. این عبارت بارها و بارها در لاویان ۱۸ آمده است. اما به هر حال، در پایان آن فصل، خداوند می‌گوید، خود را به هیچ یک از این روش‌ها آلوده نکنید.

آشکار کردن، آشکار کردن، آشکار کردن. زیرا ملت‌هایی که قرار است از پیش روی شما بیرون برانم، به این طریق آلوده شده‌اند. حتی زمین نیز آلوده شده است.

حتی زمین نیز آلوده شد. پس من آن را به خاطر گناهش مجازات کردم. زمین ساکنان خود را قی کرد، اما شما باید فرایض و قوانین مرا نگاه دارید.

و اگر زمین را آلوده کنید، شما را نیز قی خواهد کرد، همانطور که ملت‌های پیش از شما را قی کرد. به یاد داشته باشید که آیه میکاه بر سه عبارت مختلف تأکید دارد. فقط پستی، آلودگی، ویرانی، و نابودی در آنجاست.

و بنابراین شاید منظور از «آرامگاه» همان سرزمین باشد. با این حال، پژوهش‌های دیگری از این اصطلاح آرامگاه «وجود دارد. من فقط به یکی از آنها اشاره می‌کنم که اتفاقاً مزمور ۱۳۲ است»

چیزی که می‌توانیم به عقب برگردیم و در یک بازه زمانی دیگر بخوانیم. اما مزمور ۱۳۲ تمرکز مداومی بر صهیون دارد. و من فقط چند آیه مهم را در اینجا ذکر می‌کنم.

مضمون کل آن مزمور، سوگند داوود است که تا زمانی که مکانی برای خداوند متعال، مسکنی برای قادر مطلق یعقوب پیدا نکنند، آرام نخواهد گرفت. او می‌گوید: «من آرام نخواهم گرفت.» حال، همانطور که می‌دانیم، او کسی نیست که آن را می‌سازد، اما مطمئناً برای آن برنامه‌ریزی می‌کند و سلیمان آن را خواهد ساخت.

مزمور ادامه می‌یابد، حضور خدا با آنها هنگام پرستش، همانطور که مضمون این مزمور بسط می‌یابد. و این، نقل قول، آیه هفتم است: بیایید به جایگاه او بیاییم و در قدمگاه او پرستش کنیم. و سپس آیه هشتم، برخیز ای خداوند و به جایگاه استراحت خود بیا.

و در نهایت، مزمور با این جمله به پایان می‌رسد: «این آرامگاه من است تا ابدالابد.» و بنابراین، ما آن وعده را در مورد آرامگاه داریم. و این در واقع به ما کمک می‌کند تا از این چیزهای وحشتناکی که در ۱۱ آیه اول به آنها پرداخته شده است، به آنچه در دو آیه آخر فصل دوم میکاه خواهد آمد، گذر کنیم.

اول از همه، برگردیم به الگویمان، من آن را خواهم خواند. ای یعقوب، مطمئناً همه شما را جمع خواهم کرد. ضمناً، برای کسانی از شما که عبری هستید، قطعاً اینها مصدر مطلق هستند که تأکید می‌کنند خدا این کار را خواهد کرد.

این قطعی است. من قطعاً بازماندگان اسرائیل را گرد هم خواهم آورد. آنها را مانند گله ای در حصار، مانند رمه ای در میان چراگاه، در امنیت، گرد هم خواهم آورد.

آنها از دست انسان‌ها در آشوب هستند، شاید از ترس انسان‌ها. و حالا مکث می‌کنم چون این تصویر در حال شکل‌گیری است. آیه ۱۳، کسی که راه را می‌گشاید، پیش از آنها بالا رفته است.

آنها دروازه را شکسته و از آن عبور کرده‌اند. آنها از آن بیرون رفته‌اند. پادشاهشان پیشاپیش آنها عبور کرده و خداوند رهبر آنها خواهد بود.

بنابراین، ما در اینجا از چندین جهت در حال تغییر هستیم. و سوال این است که چه تصاویری می‌بینیم؟ خوب، مطمئناً می‌توانید چیزهایی در مورد چوپانی ببینید. و مطمئناً چیزهایی در مورد یک پادشاه خواهید دید.

این واضح است. اما بیایید ببینیم چه اتفاق دیگری در اینجا می‌افتد و به چه چیزهای دیگری باید توجه کنیم؟ من قطعاً دو کلمه را که مترادف استفاده می‌شوند، کنار هم قرار می‌دهم. و خدا اعلام می‌کند که این همان چیزی است که قرار است اتفاق بیفتد.

یعقوب و دوباره اسرائیل. و اینجا، ما از اصطلاح «بقیه» استفاده می‌کنیم که دوباره در میکاه ظاهر می‌شود. امنیت وجود دارد، گله ای که به شدت نیاز دارد در مکانی امن باشد.

محصور کردن، گله در وسط چراگاه. باز هم، اینها عباراتی مشابه هستند. اما حالا، حتی اینجا هم چیزی کمی نگران‌کننده است.

آنها در آشوب و غوغا هستند، و ما باید به این توجه کنیم. سپس، اول، اینکه چگونه کار می‌کند، او چه می‌کند، و پیشرفت جالب است. او جلوتر از آنها بالا می‌رود.

آنها دروازه را می‌شکنند و از آن عبور می‌کنند. اما به نحوی ما از مرحله‌ی ورود، عبور از دروازه و رسیدن به یک محوطه‌ی امن، وسط چراگاه، عبور می‌کنیم. حالا ۱۸۰ درجه تغییر جهت می‌دهیم.

آنها از آن عبور کرده‌اند. و پادشاهشان پیشاپیش آنها رفته است. خداوند رهبر آنها خواهد بود.

خب، چیزهای جالب زیادی اینجا وجود دارد. و ضمناً، قرار است تصویر این گردهمایی را بعداً در میکاه ببینیم. قرار است دوباره در میکاه بقایایی را ببینیم.

بنابراین، این آخرین باری نیست که از آنها دیده‌ایم. برای کسانی که در میان حضار بودند و روایت‌های قبلی آنها را می‌دانستند، این نفوذ، زمانی بود که خداوند از طرف داوود می‌جنگید، پارازین، او نفوذ کرد. و این مکان‌ها به این دلیل این نام را گرفتند که خداوند نفوذ کرد.

این می‌تواند پژوهشی از روایت‌های داوود نیز باشد. بیایید ببینیم چه چیزی به دست آورده‌ایم. این یک گذار ناگهانی است.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که این بعداً به متن اضافه شده است، اما ما قرار نیست به کل آن پردازیم. من فکر می‌کنم این بخشی از آن است. و این وعده‌ای است که باید از آنچه که داشته‌ایم پیروی کند.

احتمالاً، من پس از آن گردهمایی در امنیت، مسئله‌ای را مطرح کردم که آن آشوب برای چیست. و ممکن است که این ادامه‌ی نوعی حس عدم قطعیت باشد. آشوب کلمه‌ای است که در مزامیر سوگواری دیده می‌شود.

و ما مطمئناً با سوگواری سر و کار داشته‌ایم. شاید این اشاره‌ای به این واقعیت باشد که هنوز کسانی در اطراف هستند که منبع ترس و عدم اطمینان هستند و باید با آنها برخورد شود، به همین دلیل است که کسی که از این مانع عبور می‌کند، بیرون می‌رود و این کار را انجام می‌دهد.

شاید این همان ارتباطی باشد که وجود دارد. بازگشت به بخش آخر فصل اول می‌تواند به ما کمک کند. بنابراین فقط به یاد داشته باشید، همانطور که پری از طریق بازی‌های کلامی و فقط پریشانی و روش‌های مختلف بیان آن صحبت می‌کند، احتمالاً همانطور که این شهرهایی که مورد توجه قرار گرفته‌اند و شهرهای دیگر نیز در برابر هر دشمنی، هر کسی که بودند، سقوط کردند، پناهندگان در حال سرازیر شدن هستند.

این ممکن است فقط به شهرهای شغله مربوط نباشد. همانطور که قبلاً اشاره کردم، ممکن است به برخی از پناهندگان آن درگیری بین شمال و یهودا اشاره داشته باشد. چه کسی می‌داند؟ در کل، دوران وحشتناکی است.

دو دهه وحشت است. به هر حال، همانطور که آنها در حال پیشروی هستند، شاید به سمت اورشلیم در حرکت باشند. آنجا آخرین جایی است که ممکن است تا حدودی امن باشد.

آیا آنها به دروازه‌ها خواهند رسید؟ و همانطور که با اشاره به فصل اول به شما می‌گویم، میکاه شاهد سقوط شهرها پس از یکدیگر بوده است. و اگر این به پایان قرن هشتم، ۷۰۱ سنحاریب، برسد، اورشلیم تقریباً تنهاست. یادآوری آنچه پری گفت، سنحاریب گفت که حزقیا را مانند پرنده‌ای در قفس به دام انداخته است، اما با این حال مجبور به عقب‌نشینی شده است.

نتیجه‌ی این دو آیه‌ی کوتاه، که اشاره‌ای است به مداخله‌ی دوباره‌ی خداوند با امید، اما در اینجا خداوند هم قوم خود را به مکانی امن هدایت می‌کند و هم قوم خود را به سوی یک بن‌بست هدایت می‌کند، اما او همچنین قرار است پیشاپیش آنها بیرون برود. او هر مشکلی که پیش بیاید را حل خواهد کرد، مردانی که آشوب و ترس ایجاد می‌کنند. او این را حل خواهد کرد و آنها را در امنیت بیرون خواهد آورد.

خب، ما مکث می‌کنیم چون این تقریباً زمان فصل دوم ما را به هم نزدیک می‌کند، اما صرفاً درسی است که فکر می‌کنم به طور خاص برای بستن این فصل خاص مناسب است. این افراد دوران بسیار سختی را پشت سر گذاشته‌اند. فقط برای تکرار، خود زبان و شکستگی زبان این موضوع را کاملاً روشن می‌کند.

جناياتی که در بخش ابتدایی این فصل شرح داده شده است، برخی از مردم را از بسیاری جهات واقعاً قربانی کرده است، و با این حال، در تمام این مدت، خداوند قوم خود را هدایت و محافظت خواهد کرد، و این وعده‌ای است که در همین آیات آخر نهفته است. در ادامه به فصل سوم خواهیم پرداخت.

این دکتر الین و پری فیلیپس هستند که در حال تدریس در مورد کتاب میکاه، پیامبری خارج از کمربندی هستند. این جلسه ۳، میکاه ۲ است.